جسته گریخته ، دربارهٔ ...

« سوئیت »

مروزه چنین بنظرمیرسد که فورم « سوئیت » ، از دوقرن باینطرف ، فورمی فراموش شده ، یـا لااقل ، نا معمول است . بـا اینکه هنوز آهنگسازانی هستند که قریحه وهنرخود را در خدمت باین فورم به کار می‌اندازند با اینحال میتوان بی اغراق گفت که فـورم سوئیت متعلق به گذشته است .

« سوئیت » (Suite) همچنانکه ازاسمش برمی‌آید(رشته ، ردیف) عبارتست از تسلسل ـ و ردیف ـ قطعات سازی که بفورم رقص نوشته شده باشند . معمولا همهٔ این قطعات در« تونالیتهٔ » واحدی ساخته میشوند.این قطعات بطرزی که تا حدی قراردادی است پشت سرهم قرارمیگیرند ؛ هر کدام ازآنها « تم » واحدی دارد که قبلا در« تونالیتهٔ » اصلی‌خود نمائی میکند وپس‌ازگردشی‌دریك تونالیتهٔ همسایه ، ازسرنوبه «تونالیتهٔ» اصلی برمیگردد و فی‌المثل از تونالیتهٔ دو به تونالیته سل میرود وسپس بهمان

دوی اولی مراجعت میکند یا ازدوی اصلی به تونالیتهٔ لای کوچك نسبی رفته و باز بمبدأ اولی خود برمیگردد .

واما در ترتیب تسلسل قطعات اصل تضاد در نظر گرفته میشود بدینمعنی که پس از یـك قطعه سریع قطعه‌ای سنگینی بمیان میآید . این اصل در «کنسرتو گروسو»ی ایتالیائی ودرسونات وسنفنی جدید نیز مراعات میگردد با این اختلاف که کنسرتو از چهار بخش - با قطعه - تشکیل میشود درصورتی که «سوئیت» لااقل چهار قطعه را درخود جمع میکند که معمولا عبارتنداز یك «آلمانـد» (Allemande) که وزنی پر جنب و جوش دارد ، یك «کورانت» (Courante) باوزنی معتدل تر ، یك «سارابانه» (Sarabande) سنگین و یك «ژیگ» (Gigue) سریع . اجزائی که ذکر کردیم همه از رقصهای ملی کشورهای مختلف اروپاست. رقص‌های دیگری هم درساختمان سوئیت بکارمیرود ازقبیل «منوئه» ، «بوره» ، «پاس پیه» ، «پولونز» ، «شاکون» ، «پاساکای» ، «روند» ، «گاووت» وغیره ... تعداد قطعاتی که سوئیت را تشکیل میدهند حدود ثابت ولایتغیری ندارد ولی استخوان بندی وساختمان کلاسیك سوئیت معمولا ازهمان چهار رقصی که ذکر کردیم تشکیل میشود و رقص های دیگر را غالباً در فاصلهٔ میان چهار رقص مزبور جای می‌دهند .

اصل و نسبت همهٔ قطعاتی که اسم بردیم به رقص‌های قدیمی اروپائی میرسد ولی درسوئیت رقص‌های مزبور برای رقصیدن بکار نمیرود . ریشهٔ پیدایش «سوئیت» را درمیان نوازندگان عود ، که درقرن شانزدهم وهفدهم دراروپا رواجی فوق العاده داشت ، باید جست . در آن دوره عود همان نقش واهمیتی راداشت که امروزه پیانودارد بدین معنی که قطعات پولیفونی آوازی را برای عود تنظیم وتلخیص میکردند ، همانگونه که امروز سنفنی را برای پیانو ترتیب وتنظیم مینمایند .

نوازندگان عود ، پولیفونی آوازی را که بسلیقهٔ آنان بیش از حد سنگین و پیچیده ومغلق بود سبك تر ساختند واز برخی ازحشو و زوائد آن کاستند . درعوض ، آنهامدت های کشش طولانی آوازرا ، برروی عود : با نت‌های زینت و «برددری» هائی می آراستند. نوازندگان عودهمچنین ترانه‌ها و رقص های معمولی دورهٔ خود را برای عود تنظیم مینمودند . بتدریج

درزیرانگشتان آنها اوزان رقص‌هائی‌چون «پاوان» و« گایارد» ، حالت ـ باصطلاح ـ رقصی‌خود را ازدست میدهد وبدینگونه نوازندگان خود ازکار ووظیفه همراهی رقص‌چشم میپوشند و، مستقلا بوسیلهٔ هنروموسیقی‌خود، به بیان احساسات و هیجانات ، یا توصیف موضوعی ، میپردازند از «داولند» (Dowland) آهنگساز ایرلندی قرن هفدهم قطعه‌ای در دست است که «پاوان های اشك‌آلود» نام دارد ...

نکته‌ای که ذکرش در اینجا اهمیت دارد اینست که کوك کردن عود کاری پیچیده و دقیق بود که مدتی صرف وقت ایجاب مینمود . از همینرو نوازندگان سعی‌میکردند تا جائی که ممکن است از تغییر کوك خودداری نمایند وقطعات مختلف خود را در «تونالیته» و کوك واحدی اجرانمایند. ازاین‌کارالبته یکنواختی اجتناب ناپذیری حاصل میشد . نوازندگان عود برای اینکه این‌یکنواختی را تنوع وتغییری بخشند بتغییردادن وزن وضرب و سرعت اجرای قطعات متوسل‌میشدند : فی‌المثل اگر میخواستند در کوك لا چهارقطعهٔ مختلف را بنوازند ازاجرای چهارقطعهٔ مثلاچهارضربی‌آهسته ـ یا سه ضربی‌سریع ... ـ اجتناب می‌جستند . ازهمین راه نوازندگان عود بتدریج موفق شدند که درقطعاتی که دریك مایه و « تونالیتهٔ » واحد بود، بوسیلهٔ تغییرات « ریتم » وسرعت اجرا ، تنوع وتضادی راه دهند و بدین گونه ، ناهشیارانه ، باصل « وحدت درتنوع » ـ که ازاصول اساسی‌سونات وسنفنی وهراثرموسیقی‌میباشدـ رسیدند .

چنانکه گذشت ، نوازندگان عود نخستین مؤلفان سوئیت بودند که درانگلستان وفرانسه وایتالیا میزیستند . بلافاصله پس ازآنان نوازندگان کلاوسن کارآنهارا دنبال کردند . نوازندگان کلاوسن فرانسوی ، درنیمهٔ دوم قرن هفدهم ، شکل‌نهائی و کلاسیك « سوئیت » را تثبیت نمودند . از جملهٔ آنان بخصوص نام « شامبویندر» ، « لوئی کوپرن » ، « دانگلبر» ، « مارشان » ، « کلرامبو» ، خانم « دلاگر» وبالاخره « فرانسوا کوپرن کبیر» را ذکرباید کرد که کم وبیش درطلیعه قرن هیجدهم زیسته‌اند .

درمورد وجه تسمیه واصل برخی ازرقص هائی که در« سوئیت » جای دارند اختلاف نظرهست . فی‌المثل‌رقص«آلمانه» (آلمانی) برخلاف‌آنچه ممکن است بنظر برسد ازاجزای مشخص سوئیت های فرانسه میباشد وحتی

«آلمانه» مشهوراثر باخ ازیك سوئیت ... انگلیسی اقتباس شده است . در این‌مورد باید دانست که پیش از باخ موسیقی آلمانی کاملا تحت تأثیرموسیقی فرانسه وایتالیاوانگلستان‌بود . خود باخ « کنسرتوهای ایتالیائی»،«سوئیت های‌انگلیسی»و«سوئیت‌های‌فرانسوی» نوشته ودر آنهااز آثار آهنگسازان و منجمله خارجی ـ « کوپرن» الهام گرفته است .

توسعه وتحول«سوئیت» بتدریج موجب‌جدائی‌موسیقی‌رقص وموسیقی مجرد ، که دراصل متفق وبهم پیوسته بودند ، گردید . درقرن هیجدهم این جدائی‌عمل انجام شده‌ای بود .

تحولات بعدی «سوئیت» موجب پیدایش مهمترین فورمهای موسیقی جدید ، یعنی‌سونات ، گردید .

بطوریکه بمناسبتی دیگرهم گفته‌ایم ، پیش ازاینکه سونات شکل و مفهوم امروزیش‌را پیدا کند ، هر گونه قطعهٔ موسیقی‌سازی را که برای‌ساز های زهی نوشته میشد « سونات » میخواندند زیرا بزبانهای فرانسه و ایتالیائی نواختن سازهای زهی را « Sonner » (بصدا درآوردن) می‌خواندند ، همچنانکه قطعات موسیقی سازهای مضرابی « پیانوو کلاوسن و ارگ) را « توکاتا » (Toccata) ـ ازفعل «Toucher» ـ و قطعات آوازی را « کانتات » (Cantate) ـ ازفعل « Chanter » ـ مینامیدند.

نخستین‌سونات های ایتالیائی‌قرن هفدهم درحقیقت بافورم«سوئیت»، با مشخصاتی که ذکر کردیم ، اختلافی نداشتند و مجموعه هائی از قطعات باوزنهای مختلف بیش نبودند . اولین‌سوناتهای‌آهنگسازان فرانسوی نیز بسیاری ازمشخصات « سوئیت » را حفظ کردند وحتی‌قسمتهای مختلف‌آنها بهمان اسمهای سابق رقصهای« سوئیت » خوانده میشد ازقبیل«پاساکای» و «روندو» ...

یك قطعهٔ «روندو» معمولا ازتمی‌تشکیل میشود که ، بتناوب ، پس‌از تمهایاجمله‌های‌متعددی ، ازسرنوخودنمائی‌میکند . چهارآهنگسازفرانسوی یعنی« کوپرن»،«مارشان»، «رامو» و«داکن» که جملگی نوازندهٔ کلاوسن بودند درضمن‌آثارمتفاوت خود قطعات «روندو»ی بسیار استادانه وجالبی نوشته‌اند . نباید فراموش کرد که همین «روندو» امروزبشکل بخش‌نهائی «سونات» و «سنفنی» در آمده است . همین امرحاکی از نسبت و رابطهٔ خویشاوندی سوئیت وسونات‌میباشد .

چهار آهنگساز فرانسوی که نام بردیم کاملا همزمان «باخ»، «هندل»، «رامو» و «دومینیکوسکارلاتی» بودند. آهنگسازان اخیرالذکر سوئیت های متعدد، یاقطعاتی شبیه بآن از خود بیادگار گذارده‌اند که از بسیاری جهات به «سونات»های جدیدنزدیك میشود ودرحقیقت پیدایش قریب‌الوقوع سونات را پیش‌بینی وخبرمیدهند. «هندل»، که ازسنن موسیقی ایتالیاملهم بود، ساختمان سوئیت را، درجهة سونات، توسعه داده است. ولی کاری که «دومینیکوسکارلاتی» دراین زمینه انجام داده بصورت دیگری جالب و مهم است: وی در قطعاتی کـه باسم « سونات » یا « اگزرسیس » (Exercice) نوشته، شاید برای نخستین بار، شکل « دوتمی » آلگروی سونات جدید را عملی ساخته است. تـوضیح آنکه، بطوریکه گفتیم، صفت مشخصه فورم «سوئیت» عبارت بود ازقطعاتی که هر کدام برروی‌یك تم ساخته میشد. «سکارلاتی» دربرخی ازآثارخود، هنگامی که تم اولی رابمایهٔ همسایه راهنمائی‌میکند، درمراجعت بمایهٔ اصلی تم یا جملهٔ جدیدی بهمراه می‌آورد. میتوان گفت که این عمل نطفهٔ فورم سونات ـ وآلگروی سنفنی ـ را درخود دارد: فورمی که برروی دوتم وبرروی مقابله ومبارزهٔ آندواستواراست. پس‌از «سکارلاتی» وپیش از «ژان کریستن‌باخ»، یکی از فـرزندان باخ: « فیلیپ امانوئل » طرح نهائی فورم سونات را بدست می‌دهد.

بدین گونه، درپایان قرن هیجدهم، هنگامی که بـرتری و سلطهٔ موسیقی‌اروپائی بچنگ آهنگسازان آلمانی مـی‌افتد، فورم « سوئیت » در فورم سونات حل‌میشود بطوریکه در سرتاسرقرن نوزدهم سوئیت در بوته اجمال میماند. ازاین دوره ببعد «سوئیت» و «سونات» را میتوان بترتیب دومظهرموسیقی فرانسوی و موسیقی‌آلمانی بشمارآورد. نهضت و اهمیت موسیقی‌آلمانی باتدوین وتکمیل‌فورم سونات آغازمیگردد وبا رواج افکار رمانتیك باوج خود میرسد. موسیقی دانـان فرانسوی، که طبع و خصائص ملی‌شان آنها را ازفورمهای « انتزاعی » (Abstrait) ومبهم دورمیسازد، درقرن نوزدهم نتوانسته‌اند طبع و هنر خود را بااین فورم نوظهور سازگار نمایند و کوشش‌هائی هم که دراین راه بکار برده‌اند بهره وحاصل‌قابل توجهی ببار نیاورده است. سونات‌ها وسنفنی‌های نادری که ازموسیقی‌دانان

فرانسوی در دست است مؤیـد این معنی است . جنبهٔ معمـاری و ساختمان (Constcuction) فورم سونات وسنفنی، و بخصوص اصل توسعه و پرورش (دولوپمان) آن ، که ازمختصات موسیقی آلمانیست ، باصفات موسیقی فرانسه متباین است . ازاین لحاظ فورم سوئیت ، باحالت محدود و بی پیرائیه خود، باطبع فرانسوی سازگار تر میباشد . از همینروست که رستاخیز و اهمیت موسیقی فرانسه ، دردورهٔ معاصر، مصادف است با ظهور آهنگسازانی که ، ازسر نو، بفورم سوئیت ـ یا اگر بهتر بگوئیم : به روح وصفات فورم سوئیت ـ روی آورده‌اند . باین معنی که حتی سونات های موسیقی‌دانان نسبة جدید فرانسوی ، ازقبیل «فوره» ، «دوبوسی» و «راول» با حالات وفورم خاص خود به سونات های قدیمی« کوپرن» وسوئیت های عهد گذشته نزدیکتر ند تا به سونات های آهنگسازان رمانتیك وآلمانی. ازاین گذشته بسیاری از قطعات آثار آهنگسازان جدید فرانسوی ، بی آنکه «سوئیت» نامیده شوند درحقیقت نشانی ازاین «فورم» کهنسال درخود دارند .

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی